

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

گزارش فرصت مطالعاتی در جامعه و صنعت

دکتر امیر راستین طرقي

عضو هیأت علمی گروه فلسفه و حکمت اسلامی

دانشکده الهیات و معارف اسلامی شهید مطهری (ره)



تاریخ: ۱۴۰۰/۱۲/۰۱

شماره: ۸۲۰ - م ۱۴۰۰

پیوست:

بسم الله الرحمن الرحيم

شعبه مشهد

فروغیخته ارجمند جناب آقای دکتر شعبانی ورگی زید مرز

معاون محترم آموزش دانشگاه فردوسی مشهد

با اهدای سلام

احتراماً پیرو درخواست جناب آقای دکتر امیر راستین طرقي، عضو هیئت علمی گروه فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد، مبنی بر گذراندن دوره «فرصت مطالعاتی اعضای هیئت علمی در جامعه و صنعت» در مجمع عالی حکمت اسلامی به صورت تمام وقت (۶ ماهه)، بدین وسیله با درخواست ایشان موافقت می‌گردد.

پانشکر
سید مجید ظهیری
مدیر مجمع عالی حکمت اسلامی
خراسان

مشهد - خیابان امام خمینی (ره) - بین امام خمینی ۳۲ و ۳۴ - مقابل ساختمان

آموزشی حلال احمر - مجمع عالی حکمت اسلامی شعبه مشهد

www.hekmateislami.com
mashhad@hekmateislami.com

تلفن و نمابر: ۰۵۱۳۸۵۸۵۲۳۳

تاریخ: ۱۴۰۱/۰۲/۱۰

شماره نامه: ۴۴۶۶

پیوست: ندارد

جناب آقای دکتر بختیار شعبانی ورکی

معاون محترم آموزشی دانشگاه

موضوع: پذیرش درخواست فرصت مطالعاتی در جامعه و صنعت آقای دکتر امیر راستین طرفی - دانشکده الهیات

با سلام و دعای خیر،

احتراما با تشکر از حسن اعتماد جناب عالی، به استحضار می‌رساند درخواست جناب آقای دکتر امیر راستین طرفی عضو محترم هیات علمی گروه آموزشی فلسفه و حکمت اسلامی دانشکده الهیات مبنی بر گذراندن فرصت مطالعاتی جامعه و صنعت در مجمع عالی حکمت اسلامی (شعبه مشهد) از تاریخ ۱۴۰۰/۱۲/۲۰ لغایت ۱۴۰۱/۰۶/۱۹ به مدت شش ماه و به صورت تمام وقت، در اولین جلسه هیأت رئیسه در سال ۱۴۰۱ - مورخ ۱۴۰۱/۰۱/۱۷ مطرح و تصویب شده است. خواهشمند است دستور فرمایید اقدام مقتضی به عمل آید.

امیر ملک زاده
مدیر پژوهش‌های کاربردی

تاریخ: ۱۴۰۱/۰۲/۱۲

شماره نامه: ۴۹۳۵

پیوست: ندارد

جناب آقای دکتر امیر راستین طرقي
عضو محترم هیات علمی دانشکده الهیات و معارف اسلامی

موضوع: موافقت معاونت آموزشی و دبیر هیات اجرایی جذب دانشگاه با تاریخ فرصت مطالعاتی ارتباط صنعت با جامعه آقای دکتر امیر راستین طرقي
با سلام و احترام،

با عنایت به نامه شماره ۴۸۱۳۴ مورخ ۱۴۰۰/۰۸/۱۸ در خصوص موافقت کارگروه ارتباط علمی دانشگاه با جامعه مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۰۷ با گذراندن فرصت مطالعاتی جامعه و صنعت جناب عالی در مجمع عالی حکمت اسلامی (شعبه مشهد) از تاریخ ۱۴۰۰/۱۲/۲۰ لغایت ۱۴۰۱/۰۶/۱۹ به مدت شش ماه و به صورت تمام وقت، به استحضار می رساند، موضوع از نظر معاونت آموزشی و هیات اجرایی جذب دانشگاه نیز بلامانع می باشد. خواهشمند است در پایان فرصت مذکور مدارک مثبت جهت تصمیم گیری هیات اجرایی جذب دانشگاه در خصوص تبدیل وضعیت استخدامی به دبیرخانه هیات اجرایی جذب با سایر مدارک ارسال شود. /ب

تجدید شعبانی ورکی

معاون آموزشی و دبیر هیات اجرایی جذب دانشگاه

پیشنهاد اجمالی طرح پژوهشی فرصت در جامعه و صنعت

عنوان طرح پژوهشی

مبانی و شواهد نظریه انکشاف نفس در حکمت متعالیه

توضیحی پیرامون موضوع و عنوان پژوهش

در باب نحوه پیدایش و بسط علم و معرفت انسان، دیدگاه‌های گوناگونی در فلسفه اسلامی مطرح شده و یا قابل طرح است. یکی از دیدگاه‌هایی که بر اساس مبانی حکمت متعالیه قابلیت تبیین دارد، نظریه انکشاف نفس است. در این دیدگاه، آنچه در فرآیند تحولی کسب معرفت رخ می‌دهد، افزوده شدن اطلاعات و علوم از بیرون بر نفس نیست، بلکه علم و معرفت، حقیقتی است که از درون وجود نفس می‌جوشد و در حقیقت، در فرآیند ادراک، وجود نفس بر خود منکشف می‌گردد. نفس در اثر حرکت جوهری و تحول ذاتی، پیوسته در حال اشتداد است و همین سیر وجودی و تحولی سبب می‌شود تا آنچه در کتم و بطن حقیقت نفس هست به تدریج به منصفه ظهور و بروز و کشف برسد و از باطن به ظاهر و از اجمال به تفصیل در آید.

اهمیت و ضرورت

این بحث ارتباط مستقیمی با مباحث مهم و مبنایی فلسفه و کلام اسلامی دارد، به ویژه در حوزه نفس‌شناسی و جایگاه نفس در عالم هستی و کیفیت تحول و سیر وجودی انسان. تبیین معنای موجهی از حرکت، قوه و فعلیت، رابطه ظاهر و باطن، رابطه انسان با عوالم فراتر از خود(عالم عقول)، رابطه بدایت و نهایت حرکت وجودی انسان در سیر نزولی و صعودی، رابطه دنیا و آخرت از وجوه آثار پذیرش این دیدگاه صدرایی است که می‌تواند منشاء تحولاتی در نظام اندیشه فلسفی گردد.

پرسشهای اصلی

تبیین دقیق ساز و کار تحقق علم بر اساس دیدگاه انکشاف نفس به چه صورت است؟

آیا این دیدگاه در برابر نقدهای وارد شده یا احتمالی تاب آوری دارد؟

این دیدگاه چه افقهای جدیدی را در حوزه‌های هستی‌شناختی و انسان‌شناختی فلسفی می‌گشاید؟

پرسشهای فرعی

آیا این دیدگاه، از شواهد کافی در خود حکمت متعالیه برخوردار است یا آنکه صرفاً استنباطی از فلسفه صدرایی محسوب می‌شود؟

آیا این دیدگاه با آموزه‌های اسلامی در حوزه انسان‌شناسی به ویژه علم و معرفت سازگاری دارد؟

آیا می‌توان بر اساس این دیدگاه به رویکردی نو و متفاوت در باب تعلیم و تربیت دست یافت؟

دستاورد

اخذ تأییدیه و انتشار الکترونیکی (از ۵ مرداد ۱۴۰۱) مقاله علمی-پژوهشی با عنوان «مبانی و شواهد نظریه انکشاف نفس در حکمت صدرایی» در مجله جستارهایی در فلسفه و کلام با کد
10.22067/EPK.2022.77525.1147

گزارشی از محتوای مقاله

الف. شواهد متنی نظریه انکشاف در حکمت متعالیه

صرفاً به سه مورد بسنده می‌شود:

- «كلما يراه الإنسان في هذا العالم أو بعد ارتحاله إلى الآخرة [نسخه دیگر: كلما يراه الإنسان في هذا العالم فضلاً عن وقت ارتحاله] فإنما يراه في ذاته و في عالمه و لا يرى شيئاً خارجاً عن ذاته و عالمه؛ و عالمه أيضاً في ذاته» (ملاصدرا، الشواهد الربوبية، 329).

- حکیم سبزواری این قاعده را که «جميع مدركاتك الذاتية من المحسوسات الظاهرة و الباطنة في عالمك لا غير» یکی از اصول حکمت متعالیه برمی‌شمرد (اسفار، 3/ 282؛ تعلیقه سبزواری).

- حکیم سبزواری همچنین نفس را بسیط الحقیقه‌ای در رتبه پس از حق تعالی و عقول مفارق دانسته و در نتیجه، آن را واجد همه وجودهای مادون این مرتبه می‌داند و تصریح می‌کند که برای معرفت و شناخت حقایق، کافی است که نفس به صفحه وجود خود بنگرد تا هر حقیقتی را از درون ذات خود بشناسد و سپس به این شعر استشهاد می‌کند که: ای نسخه تامه الهی که تویی / وی آینه جمال شاهی که تویی / بیرون ز تو نیست آنچه در عالم هست / در خود بطلب هر آنچه خواهی که تویی» (همان، 307-308؛ تعلیقه سبزواری).

ب. مبانی نظریه انکشاف در حکمت متعالیه

۱. مبانی هستی‌شناختی

جهت اختصار، صرفاً به دو مبنا از مبانی اشاره می‌رود:

۱. بساطت وجود: طبق نظر دقیق صدرایی، هر وجودی بسیط است: «أن الوجودات هویات بسیطة» (ملاصدرا، اسفار، 1/ 50). بساطت نفس نیز فرع بر بساطت وجود بوده و بلکه چنانکه در سخن منقول از حکیم سبزواری دیدیم، در این حکمت، سخن از بسیط الحقیقه بودن نفس است. از سوی دیگر، روشن است که اضافه و وصله شدن چیزی از بیرون با بساطت ناسازگار است؛ زیرا هنگام اضافه شدن فعلیت جدید، یا فعلیت جدید از سنخ وجود نیست که در این صورت، اساساً فعلیت و کمالی در کار نیست (چون فعلیت، مساوق با وجود است)، و یا از سنخ وجود است که در این حالت، به دلیل بساطت هر يك از دو وجود مفروض (یکی وجود مستکمل و دیگری وجود فعلیت)، وجودی در کنار يك وجود دیگر قرار گرفته است، نه آنکه ترکیبی حقیقی رخ داده باشد و شیء مرکبی پدید آمده باشد.

آری، وجود بسیط می‌تواند همان چیزی را که به نحو بساطت دارد، از نهان به عیان و از اجمال به تفصیل برساند، اما افزوده شدن چیزی از خارج بر او معنای محصلی ندارد و این تفسیر، سازگارترین تفسیر از استکمال و اشتداد وجودی با بساطت وجود است.

۲. اتحاد فاعل با غایت و طالب با مطلوب: مبنای دیگر برای فهم و اثبات نظریه انکشاف، تحلیل ویژه حکمت صدرایی از خود معنای «قوه» و رابطه امر بالقوه با موضوع آن و نیز با امر بالفعل است؛ طبق این تحلیل از قوه و فعل، فعلیتی که به دنبال یک قوه می‌آید با آن قوه و نیز با موضوع آن قوه و استعداد یعنی متحرک، متحد است و هم اکنون هر سه، یک حقیقت وجودی را تشکیل می‌دهند و تفاوت بالقوه و بالفعل صرفاً در ترتب و عدم ترتب آثار است (طباطبایی، نهاية الحکمة، 198-201) که عبارت بهتر، ظهور یا عدم ظهور آثار است، زیرا طبق نظر علامه طباطبایی، اگر حالت قوه یک امر عدمی بود، با حصول فعلیت باید رأساً از میان می‌رفت، در حالی که ظهور فعلیت و رفع قوه، «از باب اندماج مرتبه‌ای در مرتبه دیگر» از یک حقیقت واحد است، نه «از باب انتفاء شیء از اصل و اساسش» (ملاصدرا، اسفار، 3/53، تعلیقه طباطبایی). این امر نشان می‌دهد که غایت امری مباین و بیگانه و بیرون از وجود موضوع حرکت نیست، بلکه وجودش به نحو اجمالی در درون متحرک هم اکنون هست و حرکت صرفاً این وجود اجمالی را به تفصیل در آورده و یا از بطون به ظهور می‌رساند، نه آنکه فعلیتی بیگانه را از بیرون بر متحرک افزوده باشد. به بیان دیگر، در اثر حرکت، فاعل وجود خودش را از اجمال به تفصیل می‌رساند، چرا که فاعل دو مرتبه و حیثیت دارد: یکی بالقوه یعنی قبل از فعل، که طالب و مجمل است، دیگری پس از فعل، که مطلوب و مفصل است: «فلوجود الفاعل مرتبتان، إحداهما طالبة مجملة و الأخرى مطلوبة مفصلة» (همان، 270/2، تعلیقه طباطبایی).

بنابراین، در حکمت صدرایی، شوق و شائق و مشتاق الیه، و طلب و طالب و مطلوب متحدند (به عنوان نمونه، رک: همان، 54/8، تعلیقه سبزواری). کاربست این اصل هستی‌شناختی در انسان‌شناسی به دست خود صدرا صورت گرفته است و اتفاقاً در آنجا نیز تصریح بیشتر و تبیین روشن‌تری یافته است. به عبارتی، در خصوص انسان و فاعل‌های علمی، که بر اساس علم و آگاهی فعالیت می‌کنند، تبیین این اتحاد، روشن‌تر است، زیرا از نظر صدرا، مطلوب و غایت، پیش از تحقق فعل، به وجود علمی باید نزد طالب باشد، و طبق مبنای اتحاد علم و عالم و معلوم، راه اثبات اتحاد علت غایی (علم)، فاعل (عالم)، و غایت (معلوم) هموار می‌نماید، چرا که علم و طلب و هر امر نفسانی دیگر، همگی در صقع نفس و در درون او رخ می‌دهد، نه در بیرون، و با آن اتحاد بلکه وحدت دارند، چنانکه ملاصدرا از همین مسیر، این نتیجه را صراحتاً اعلام می‌دارد که «انّ الإنسان ما أحب و ما أبغض إلا ذاته» و آن را نتیجه و مطلبی بلند برمی‌شمرد (المبدأ و المعاد، 589-590).

۲. مبانی و اصول انسان‌شناختی

اصول و مبانی انسان‌شناسانه نظریه انکشاف نفس نیز متعدد است: ادراکات (حتی معقولات) به عنوان ظهورات نفس، اتحاد با عقل فعال به عنوان مرتبه یا حیثیتی از نفس، کینونت پیشین نفس، معنای متفاوت قابلیت نفس نسبت به کمال علمی پیش از ظهور علم، معاد جسمانی صدرایی، و نظام معرفت‌شناختی فیلسوفان مسلمان. جهت اختصار، صرفاً به سه مبنا اشاره می‌رود:

۱.. تمام ادراکات ظهورات و شئونات خود نفس هستند: در خصوص ادراکات جزئی (حسی و خیالی) نظر حکمت متعالیه بر فاعلیت نفس است و نه قابلیت، که خود این امر نشانه و زمینه‌ای است برای طرح و اثبات نظریه انکشاف، چرا که فاعل یک کمال نمی‌تواند فاقد آن کمال باشد. همچنین نفس نه تنها فاعل ادراکات خویش است، بلکه فاعل تمام قوای ادراکی و تحریکی خود نیز می‌باشد به این صورت که تمام افعال و آثار و قوا از خود حقیقت یگانه و ذات بسیط نفس سرچشمه می‌گیرد و فروع آن اصل محسوب می‌شود؛ به همین دلیل است که عناوین و مفاهیم و معانی معقول مربوط به همه این کمالات بر خود نفس صادق است. از اینجا می‌توان نتیجه گرفت که در مسأله اتحاد عاقل و معقول، خود نفس اشتدادیافته در اثر حرکت جوهری، میتواند مصداق معانی جدید و فراوانی واقع شود، از جمله عاقل بودن و معقول بودن و لذا معقولات نفس، در واقع، در درون خود او هستند، و او اگر علم حصولی به معقولات نیز دارد، در حقیقت، از وجود خود عکس‌برداری کرده و از زوایای گوناگون به خود نگریسته است و در نتیجه، معانی متخیل و محسوس و معقول متفاوتی را از وجود خود انتزاع کرده است (اسفار، 3/ 325-326؛ همان، 366-367؛ نیز سهروردی، شرح حکمة الإشراق، 4/ 25، پاورقی شماره 4 ملاصدرا)؛ بر این اساس، صدرا تصریح می‌کند که وجود نفس مبدأ تمام ادراکات کلی و حرکات فکری است (همو، شرح و تعلیقه صدرالمتألهین بر الهیات شفا، 2/ 941) و معتقد است که «نسبت نفس به صور ادراکی به طور مطلق، نسبت فاعل مؤثر است نه نسبت قابل منفعل متصف» (ملاصدرا، سه رساله فلسفی، 221).

۲. اتحاد با عقل فعال به عنوان مرتبه یا حیثیتی از نفس: سخن ویژه حکمت صدرایی آن است که همان عقل فعالی که واجد همه حقایق مادون خود است، مرتبه‌ای (بر اساس تشکیک) یا حیثیت و ظهوری (بر اساس وحدت شخصیه) از نفس انسانی به شمار می‌رود: «و سینکشف لك في هذا الكتاب أن العقل الفعال في أنفسنا هو كل الموجودات بمعنى أن ذاته بذاته مصداق حمل جميع المعاني الكلية التي تكون موجودة في صور المكونات التي في العالم» (اسفار، 3/ 326). صدرا تصریح می‌کند که عقل فعال و مُخرج نفس از قوه به فعل، حقیقتی مباین با نفس نیست، بلکه داخل در تجوهر ذات و فعلیت حقیقت اوست و رابطه نفس با صور عقلی که نفس آنها را فراموش کرده است، به هنگام یادآوری، رابطه انفعالی نیست، به گونه‌ای که از بیرون چیزی بر نفس وارد شود، بلکه رابطه فعلی است، به این صورت که نفس با صور متحد است، و مشاهده آنها از طریق مشاهده ذات نفس حاصل می‌شود، و آنچه اکنون مانع مشاهده و سبب فراموشی شده، یک امر بیرونی است (اشتغال به بدن) نه امری مربوط به درون نفس (المبدأ و المعاد، 407-408).

همچنین از یک سو، مطابق با نظر تحقیقی صدرا، بدایت و نهایت سیر وجود و موجودات، ذاتاً یگانه است و تنها در اعتبار متفاوت است و تمام سخنان گوناگون اهل معرفت در این زمینه را باید بر همین اساس فهمید و تفسیر نمود (تفسیر القرآن الکریم، 3/ 83). از سوی دیگر، وی عقل را بدایت و بذر می‌داند، و عاقل [نفس رشدیافته] را نهایت و ثمره آن بذر می‌خواند، که در پایان «ظاهر» می‌شود (الشواهد الربوبية، 324؛ نیز رک: مجموعه رسائل فلسفی، 3/ 349-350). از مجموع این مطالب و مبانی می‌توان نتیجه گرفت که در حکمت صدرایی، حقیقت عقل فعال و آنچه که معطی کمال علمی شمرده می‌شود، امری بیرونی از هویت نفس نیست، بلکه باطن اوست و از همین حیث باطن بودن است که در مقایسه با ظاهر جسمانی و وجود طبیعی نفس، برتر محسوب شده و در حکم مبدأ و مؤثر او است، اما این امر باطنی در اثر حرکت جوهری نفس، پیوسته و به تدریج از بطون به ظهور و از اجمال به تفصیل می‌گراید.

۳. معاد جسمانی صدرایی

معاد صدرایی و دیدگاه ملاصدرا درباره سیر تحولات جوهری نفس نیز شاهدهی گویا بر وجود معنایی ویژه از حرکت برای نفس در نظام حکمی اوست. نعمتها یا عذابهای اخروی در درون ذات و صحیفه وجود نفس انسان هستند و این آثار و فعلیتهای اموری اضافه شده از بیرون نبوده، بلکه ظهور همان چیزی است که در دنیا نیز همراه انسان بوده است و تفاوتش در آخرت با دنیا در ظهور و بطون، و پیدایی و پنهانی است: همین آثار و فعلیتهای در دنیا مکتوم و پوشیده بوده است، اما در آخرت، با رفع شواغل مادی و تعلقات دنیایی، چشم انسان بینا شده و این امور باطنی آشکار شده و اثرش عیان می‌گردد (رک: ملاصدرا، مجموعه رسائل فلسفی، 87/3؛ 138-140 /4 و 110-114؛ تفسیر القرآن الکریم، 254/3) و نفس بر مکنونات خویش آگاهی و التفات می‌یابد، بدون آنکه محتاج اسباب بیرونی باشد (مجموعه رسائل فلسفی، 144/4؛ اسفار، 35/9 و 220). به تعبیر صدرای آنچه در «مکمن» و در «باطن» به صورت «کامن» و «مستور» بوده است، اکنون در عالم «کشف»، «بروز» پیدا کرده و آشکار شده است، چرا که باطن انسان در دنیا همان ظاهرش در آخرت است و در آنجا، علم به عین و غیب به شهادت مبدل می‌گردد و لذتها بر اساس ظهوری که دارند، بسیار شدید هستند (همان، 263 و 378).

مطابق نظر صدرای، در حرکت جوهری، مسافت عین متحرک است و متحرک پیوسته در حیطة وجود خویش در رفت و شد میان ظاهر و باطن و صورت و معنا است و در حقیقت، در درون خویش و مراتب وجودی خویش، سیر می‌کند (رک: تفسیر القرآن الکریم، 112-113 /1). اساساً مسیر حرکت انسان به سمت آخرت نیز چیزی بیرون از خود او نیست، او خودش صراط است و سیر نفس، در حقیقت رفع حجاب است (مجموعه رسائل فلسفی، 135-136 /4)، حال آنکه رفع حجاب از امر معدوم، ممکن و معنادار نیست، پس به ناچار باید پذیرفت که چیزی هست که نفس از آن پرده‌برداری می‌کند و آن را تدریجاً از بطون و درون خود به ظهور و تفصیل میرساند. از نظر صدرای، تفاوت مجمل و مفصل، تفاوت به خاطر وجود یا نبود یک امر اضافه در یکی از دو طرف نیست، بلکه مانند «حد» و «محدود»، یک حقیقت هستند که به دو اعتبار و از دو منظر، متفاوت به نظر میرسند (المبدا و المعاد، 219).



تاریخ: ۱۴۰۱/۰۷/۲۷
شماره: ۸۴۵ م ۱۴۰۱
پوست:

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای دکتر بناهی

مدیر پژوهش‌های کاربردی دانشگاه فردوسی مشهد

با اهدای سلام و احترام

بدین وسیله، با اتمام فعالیت و انجام پروژه تحقیقاتی جناب آقای دکتر امیر راستین طرقي در مجمع عالی حکمت اسلامی خراسان، پایان رسمی دوره فرصت مطالعاتی ۶ ماهه (تمام وقت) ایشان تأیید و اعلام می‌گردد. مراتب جهت استحضار تقدیم می‌گردد.

با آرزوی صحت و موفقیت روزافزون

سیدمجید ظهیری

مدیر مجمع عالی حکمت اسلامی خراسان

مشهد - خیابان امام خمینی (ره) - بین امام خمینی ۳۳ و ۳۴ - مقابل ساختمان

آموزشی هلال احمر - مجمع عالی حکمت اسلامی شعبه خراسان

www.khorasan.hekmateislami.com

khlorasan@hekmateislami.com

@hekmateislamimashhad

تلفن: ۳۸۵۸۵۳۳۳ - ۵۱ - شماره داخلی ۴
سامانه پیامکی: ۹۱۳۸۴ - ۳۰۰۹۹۰۰۰

کدپستی: ۹۱۳۶۸۷۴۱۸۹